



# فصلنامه

## تاریخ و باستان‌شناسی مازندران

سال نخست، شماره یکم، بهار ۱۳۹۹



فصلنامه  
مازندران  
تاریخ و باستان‌شناسی

سال نخست - شماره یکم - بهار ۱۳۹۹

مدیرمسئول: ..... مهدی عابدینی عراقی

سردبیر: ..... سیدرحیم موسوی ساروی

اعضای شورای سردبیری: .....

دکتر علی رستم نژاد، دکتر علی اکبر عنایتی، دکتر زمانه حسن نژاد، دکتر یوسف الهی، دکتر شهرام قلیپور گودرزی، دکتر جواد لطفی نوذری،  
دکتر عبدالرضا مهاجری نژاد، دکتر سامان سورتیچی

امور حقوقی: ..... دکتر کاوه موسوی

صفحه‌آرایی و طرح جلد: ..... سیدروح الله شجاعی کیاسری

خط عنوان فصلنامه: ..... استاد پیام غضنفری

اعضای شورای علمی: .....

دکتر حمید خطیب شهیدی ..... (هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس)

دکتر حسن فاضلی نشلی ..... (استاد دانشگاه تهران)

دکتر محمد مرتضایی ..... (دانشیار پژوهشگاه میراث فرهنگی)

دکتر مهرداد ملک‌زاده ..... (استادیار پژوهشگاه میراث فرهنگی)

دکتر خداداد رضاخانی ..... (پژوهشگر و مدرس تاریخ ایران دانشگاه پرینستون آمریکا)

دکتر سینا فروزش ..... (استادیار دانشگاه علوم و تحقیقات تهران)

دکتر علی کالیپاد ..... (استادیار دانشگاه تهران)

دکتر محمد اسماعیلی جلودار ..... (استادیار دانشگاه تهران)

دکتر روبرتو دان (پژوهشگر و مدرس دانشگاه توشا ویترو و سازمان تحقیقات فرهنگی مدیترانه و آسیا «ایزمئو» ایتالیا)

دکتر عابد تقوی ..... (استادیار دانشگاه مازندران)

دکتر رضا شجری ..... (استادیار دانشگاه مازندران)

دکتر حسن شجاعی ..... (استادیار دانشگاه مازندران)

دکتر علی اصغر کلانتر ..... (استادیار دانشگاه مازندران)

دکتر سامان حیدری گوران ..... (پژوهشگر ارشد پژوهشگاه موزه نئاندرتال مِتَمَن آلمان)

دکتر الهام قصیدیان ..... (پژوهشگر ارشد پژوهشگاه موزه نئاندرتال مِتَمَن آلمان)

دکتر فرزاد مافی ..... (استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر)

دکتر میرموسی انیران ..... (هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان)

دکتر علی اکبر وحدتی ..... (پژوهشگر باستان‌شناسی میراث فرهنگی خراسان شمالی)

\*\*\* مقاله‌های این فصلنامه لزوماً بیان‌کننده آرا و عقاید فصلنامه نیست و تنها پژوهش‌های محققان محترم را در بر دارد.

روی جلد: سگک کمر بند مفرغی بدست آمده از گورستان لفورک سوادکوه.

پشت جلد: نقشمایه خورشید با تکنیک نقاشی بر روی چوب. امام‌زاده یک‌تن کوننده

نشانه: یکی از نقشمایه‌های برج رسکت

\*\* قیمت: ۵۰۰۰۰۰ ریال

## شیوه‌نامه نگارش و تدوین مقالات «فصلنامه تاریخ و باستان‌شناسی مازندران»



- مقالات ارسالی می‌بایست حاصل پژوهش‌های علمی نویسنده یا نویسندگان محترم در حوزه تاریخ و باستان‌شناسی مازندران باشد و پیش از این به چاپ نرسیده باشد.
- گستره مازندران شامل حوزه جغرافیای فرهنگی و تاریخی مازندران کهن می‌باشد.
- فصلنامه از پذیرش مقالات با رویکردهای: مروری، توصیفی و گزارشی معذور است.
- عنوان مقاله می‌بایست گویا و بیان‌کننده محتوا و ماهیت علمی - پژوهشی مقاله بوده و شامل بخش‌های زیر باشد:
- چکیده فارسی (حداکثر ۲۵ کلمه)، واژگان کلیدی، مقدمه، متن مقاله، نتیجه‌گیری، کتابنامه (فهرست منابع و مأخذ)، منابع تصاویر و چکیده انگلیسی.
- حداکثر تعداد کلمات هر مقاله می‌بایست ۷۰۰۰ کلمه باشد.
- ارجاعات مقاله باید با روش درون‌متنی و به صورت زیر آورده شود:
- (نام خانوادگی، سال انتشار: صفحه)؛ مثال: (ملک شه‌میرزادی، ۱۳۸۳: ۳۸) در صورت استفاده از منابع چند جلدی: (نام خانوادگی، سال انتشار: شماره جلد/شماره صفحه)؛ مثال: (ستوده، ۱۳۶۶: ۴/۵۸۳).
- ارجاعات توضیحی همانند شرح واژگان و برابر انگلیسی کلمات و یا آوانگاری آن، در پانویس آورده شود.
- کتاب‌نامه (فهرست منابع و مأخذ) هر مقاله به ترتیب حروف الفبا و به روش زیر نوشته شود:
- نام خانوادگی، نام. (سال انتشار). نام کتاب. نام مترجم و یا مصحح. شماره جلد. (در صورت چند جلدی بودن) شماره چاپ. محل انتشار: نام ناشر
- در صورت بهره‌گیری از مقالات نشریات و فصلنامه‌های معتبر و پژوهشی، به روش زیر نوشته شود:
- نام خانوادگی، نام. (سال انتشار). «نام مقاله». نام مترجم و یا نام مصحح. نام نشریه. سال چندم انتشار. شماره نشریه. صفحات مقاله. محل انتشار.
- در صورت استفاده از منابع دیگر زبان‌ها هر بخش جداگانه تدوین شود همانند:
- (الف) منابع فارسی؛ (ب) منابع عربی؛ (ج) منابع انگلیسی و...
- ترجمه مقالات علمی-پژوهشی از محققان ایرانی و خارجی برجسته که پیش از این در نشریات معتبر بین‌المللی منتشر شده است، به شرط عدم انتشار در نشریات داخل کشور پذیرفته می‌شود. مترجمان محترم لازم است اصل مقاله و مجوز نویسنده یا نویسندگان مقاله را به همراه ترجمه برای فصلنامه ارسال نمایند.



## سخن مدیرمسئول

گسترده‌گی و غنای فرهنگ و تمدن ایران زمین و خطه کهن مازندران با همان مرزهای تاریخی - فرهنگی و پیشینه شگفت انگیزش برکسی پوشیده نیست. بی تردید گام نهادن در وادی تحقیق و پژوهش‌های باستان‌شناسی و تاریخ در مازندران، دارالمرز ایران، کاری است دشوار و راهی است بی نهایت پریچ و خم. پژوهش‌گران، در راه شناخت و شناساندن حوزه فرهنگی - تاریخی این ناحیه، با رنج‌های بی‌شمار و تلاش‌های فراوان به دنیای پر رمز و راز ادوار پیشین سرزمینی وارد می‌شوند که هاله‌ای از افسانه‌ها و حکایت‌های کهن آن را فرا گرفته است. از دیگر سو همواره نگران هجوم سهمگین تخریب و نابودی آثار و اشیاء تاریخی، نابودی خرده فرهنگ‌ها، سنت‌ها و آیین‌های کهن، سطحی‌نگری و بهره‌گیری عوامانه از داده‌های تاریخ و باستان‌شناسی، فعالیت اندیشمندان نمایان دروغین نیز باید باشند و به خون دل مسیر را دست در دست هم پیش ببرند.

خلاصه آن‌که در این دریای ژرف، آثار و نوشته‌های اینان که با سخت‌کوشی و تنگناهای گوناگون فراهم آمده است، چراغ راه حقیقت‌جویان و دانش‌دوستان می‌شود.

برای گروه کوچک ما که این راه را با عشق آغاز کرده‌ایم، همین کافی است تا لبخند رضایت بنشیند بر جان تشنگان دانش و حقیقت و ما احساس کنیم که ادای دینی کرده‌ایم به این شمایل زیبایی، مازندران بزرگ.

این فصل نامه گام کوچکی است در راه نیل به این نکته مهم و اساسی که تحقیق، پایه توسعه علمی است و مقدمه‌ای برای رسیدن به جایگاه والاتر دانش و علم در خطه زرین ما.

مهدی عابدینی عراقی

## فهرست مطالب

- ≡ سخن مدیرمسئول / مهدی عابدینی عراقی / ۳
- ≡ بازخوانی دو روایت از ناصرالاسلام ساروی درباره امام‌زاده ابراهیم آمل و مشهدسر و سیدعمادالدین هزارجریبی / یوسف الهی / ۹-۴
- ≡ بسامد نقش مایه‌های نمادین و هندسی و شیوه‌های اجرایی آن در تزیینات وابسته به معماری مازندران در دوره قاجار / زهره ایزدی‌راد / ۲۵-۱۰
- ≡ بررسی تحولات طبقاتی مازندران در دوره پهلوی دوم / زمانه حسن نژاد / ۳۵-۲۶
- ≡ تأثیر نقاشی مکتب اصفهان بر نقوش انسانی کاشی‌های کاخ جهان‌نمای فرح‌آباد / حکیمه رازقی منصور - باقر صلح‌جو / ۴۵-۳۶
- ≡ بررسی تحولات مناصب محلی مازندران (والی، وکیل و وزیر) در عصر صفویه / علی رستم‌نژاد نشلی / ۵۳-۴۶
- ≡ یادداشت‌هایی در باب آرشیه‌های پهلوی: در جستجوی \*Haspīn-raz / هسپین رز / ۵۹-۵۴
- ≡ جغرافیای آرشیو تبرستان / خداداد رضاخانی - ترجمه جواد لطفی نوذری / ۵۹-۵۴
- ≡ نشانه‌ای از هنر سکایی در سوادکوه / مهدی عابدینی عراقی - عبدالرضا مهاجری نژاد / ۷۱-۶۰
- ≡ نگاهی به پیشینه مدارس قدیمی و مکتب‌خانه‌های مازندران در عصر قاجار / علی اکبر عنایتی / ۸۳-۷۲
- ≡ تحلیل یافته‌های باستان‌شناختی محوطه معصومی آسیابسر / سراله قاسمی گرجی - علی کرمی گرجی - هادی میلادی - حکیمه رازقی منصور / ۹۳-۸۴
- ≡ فرجام تقاضای تأسیس مدرسه عالی تجارت در بارفروش / شهرام قلی پور گودرزی / ۱۰۱-۹۴
- ≡ معرفی و بررسی ساختار و کارکرد معماری غار - قلعه کیجا کرچال / محمدکشاورز دیوکلایی - روبرتو دان / ۱۱۱-۱۰۲
- ≡ عصر آهن شمال هیرکان / الیویه لوکنت - ترجمه علی اکبر وحدتی / ۱۱۹-۱۱۲
- ≡ درآمدی بر تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری ابن اسفندیار در کتاب تاریخ طبرستان / سیدرحیم موسوی ساروی / ۱۲۹-۱۲۰

## نگاهی به پیشینه مدارس قدیمی و مکتب‌خانه‌های مازندران در عصر قاجار

علی اکبر عنایتی<sup>۱</sup>

### چکیده

تا پیش از تأسیس مدارس نوین، مدارس و مکاتب از جمله نهادهای اصلی آموزشی به شمار می‌آمدند. مکتب‌خانه برای تعلیم ابتدایی و مدارس به جهت آموزش‌های عالی تأسیس شده بودند. تعلیم و تربیت بر مبنای تعلیم دینی در مدارس و مکتب‌خانه‌ها از سده‌های نخست هجری تا تأسیس مدارس نوین در عصر قاجار ادامه یافت. این پژوهش با هدف بررسی وضعیت مکتب‌خانه‌ها و مدارس قدیمی مازندران در عصر قاجار انجام شد. پرسش اصلی این بود که مکتب‌خانه‌ها و مدارس قدیمی عصر قاجار در مازندران از نظر کمی و کیفی چگونه بوده‌است؟ تأثیر تأسیس مدارس نوین در وضعیت این مراکز آموزشی در اواخر دوره قاجار و اوائل دوره پهلوی چه بوده‌است؟ این تحقیق با شیوه تاریخی و روش بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و ابزار اسنادی انجام پذیرفت. نتایج به دست آمده در این تحقیق نشان داد که شالوده تعلیم در مکتب‌خانه‌ها آموزش خواندن و نوشتن، مقدمات آموزش‌های دینی و اخلاقی به همراه ادبیات فارسی بوده‌است و هم‌چنین در مدارس قدیم نیز مواد درسی براساس آموزه‌های دینی و تکمیل معلومات مرتبط با آن بوده‌است. اسناد و منابع نشان داد که مکان برپایی مکاتب بیشتر در مساجد، تکایا، امام‌زاده‌ها و منازل معلمان مکاتب بوده‌است و اعیان و اشراف نیز در خانه‌های خود مکاتب را برای کودکان دایر می‌کردند. مکاتب به سه شکل دخترانه، پسرانه و مختلط برگزار می‌شد. هزینه‌های اداره مکاتب با والدین شاگردان بود. مدارس قدیم که نقش آموزش عالی را داشتند نیز در مکان‌های اوقافی تشکیل می‌شد و در هر شهر تعدادی از این مدارس وجود داشت البته مهم‌ترین مدارس در عتبات قرار داشت. براساس اسناد موجود و با مقایسه تطبیقی آمار و اطلاعات می‌توان گفت که پس از رواج مدارس نوین در مازندران، اقبال عمومی مکتب‌خانه‌ها رو به کاهش نهاد و تعداد شاگردان به مراتب کمتری در این مراکز تحت آموزش قرار گرفتند. مقایسه آمار احصائیه سال‌های ۱۳۰۳ تا ۱۳۰۶ نشان داد که تعداد مکاتب ساری به میزان ۴۳ درصد کاهش یافت و هم‌چنین براساس این آمار در شهر تنکابن نیز حدود ۴ درصد از تعداد دانش‌آموزان کاسته شد.

واژگان کلیدی: قاجار، مازندران، مکتب‌خانه، مدارس قدیم

### مقدمه

انسان از گذشته‌های دور، به اهمیت تعلیم و تربیت کودکان در زندگی فردی و اجتماعی‌اش پی برد. از این‌رو در جوامع مختلف به تدریج نهادهای آموزشی شکل گرفت و به امر تربیت پرداختند. در ایران نیز از دوره باستان، آموزش و پرورش مورد توجه قرار داشت و در اختیار روحانیان دینی زرتشتی بود. مدارس و مراکز آموزشی در کنار معابد و آتشکده‌ها بنا شده بودند. پس از ورود اسلام به ایران و فروپاشی «شاهنشاهی ساسانیان»، مراکز آموزشی ضمن حفظ پیوند دیرینه با نهادهای دینی، همچنان فعالیت خود را در جامعه استمرار بخشیدند. البته با اسلامی شدن جامعه ایرانی، در نهاد آموزشی نیز دین اسلام جایگزین دین زرتشت شد.

نخستین مراکز آموزشی در اسلام مساجد بودند. «پیامبر اسلام» (ص) در مسجد پیام الهی را به مسلمانان می‌آموخت. مساجد یکی از مهم‌ترین مؤسسات علمی بود که در شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی نقش به‌سزایی ایفا کرد. حاکمان ایرانی پس از اسلام نیز به تربیت همگانی و آموزش عمومی توجه کردند و در تأسیس و گسترش مراکز آموزشی کوشیدند. طاهریان، سامانیان، آل بویه، علویان تبرستان و سلجوقیان در این راه تلاش بیشتری از خود نشان دادند. این تلاش تاریخی در رونق یافتن علم، فرهنگ و زبان و ادب فارسی تأثیر فراوانی بر جامعه ایرانی نهاد.

در سده‌های نخستین هجری، نهادهای متعددی چون: مساجد، مکتب‌خانه‌ها، مدارس، کتابخانه‌ها، دبستان‌ها و دبیرستان‌ها، خانه‌های دانشمندان و مجالس علما، خانقاه‌ها، بیمارستان‌ها، رصدخانه‌ها، رباط‌ها و صومعه‌ها در فرآیند تعلیم و تربیت به ایفای نقش می‌پرداختند. مدارس و مکاتب از جمله نهادهای اصلی آموزشی به شمار می‌آمدند. مکتب‌خانه برای تعلیم ابتدایی و مدارس به جهت آموزش‌های عالی تأسیس شده بود. تعلیم و تربیت بر مبنای تعلیم دینی در مدارس و مکتب‌خانه‌ها از سده‌های نخست هجری تا تأسیس مدارس نوین در عصر قاجار ادامه یافت.

### شکل‌گیری مکاتب و مدارس پس از اسلام

از سده دوم هجری نهاد آموزشی به نام مکتب‌خانه یا کُتاب به وجود آمد. این نام از کتابت (نگاشتن) و تکتیب (نوشت آموزشی) برگرفته شده است. این نهاد به تدریج در شهرها و روستاها گسترش یافت و کمتر آبادی بود که فاقد مکتب‌خانه باشد (احمد، ۱۳۸۴: ۳۱؛ تکمیل همایون، ۱۳۸۵: ۲۵).

مکتب‌خانه‌هایی که برای تعلیم و تربیت کودکان برپا می‌شد به دوگونه بودند: یکی مکتب‌خانه‌هایی که معلمان برپا می‌کردند و پدران با پرداخت هزینه آموزش، فرزندان خود را روانه آنجا می‌کردند. دیگری مکتب‌خانه‌های وقفی برای کودکان یتیم و بی‌سرپرست که توسط حاکمان، امیران و ثروتمندان دایر می‌شد (جماعه، ۱۳۸۸: ۹۷). هدف از تأسیس مکتب‌خانه‌ها، آموزش قرآن کریم، دانستن شریعات، خواندن و نوشتن بود (شبلی، ۱۳۸۷: ۵۸). معلم یا مُکتب علاوه بر آموزش قرائت قرآن و حدیث، مقدمات دستور زبان و خواندن و نوشتن را به کودکان آموزش می‌دادند. معلمان برای کودکان مبتدی، کتاب‌های کوچک و ساده انتخاب می‌کردند تا فهم‌شان راحت‌تر باشد (ذنون ثامری، ۱۳۹۴: ۳۹). مرحله آموزش ابتدایی کودکان با مکتب آغاز می‌شد. کودکان از سن پنج سالگی به مدت شش سال به مکتب می‌رفتند. در سده‌های نخست هجری، کودکان طبقات گوناگون اجتماع، در کنار یکدیگر آموزش می‌دیدند. ثروتمندان و توانگران نیز هزینه تحصیل فرزندان نیازمند و تهی دست را پرداخت می‌کردند (احمد، ۱۳۸۴: ۲۵). معلمان مکتب بر اساس شروطی که فقهای عصر تعیین می‌کردند باید متأهل بوده تا نشانه‌ای از نشانه‌های کمال را دارا باشند. هم‌چنین می‌بایست دارای منشی نیکو و اخلاق خوب بوده و با کودکان مانند پدر و مادری مهربان برخورد کرده و با همه آنان رفتاری یکسان داشته باشند تا کودکان را به آراستگی و شایستگی تربیت نمایند (جماعه، ۱۳۸۸: ۱۰۴-۱۰۵). دبیرستان از جمله نهادهای آموزشی ایران باستان بوده که پس از اسلام هم‌چنان در نواحی شرقی ایران برپا بود. «بیهقی» در کتاب تاریخ خود بارها از دبیرستان به عنوان نهاد آموزشی ابتدایی یاد کرده است. از سده سوم هجری، مدارس به عنوان یک نهاد آموزشی در جهان اسلام با انگیزه و هدف تعلیم علوم دینی و مذهبی تأسیس شدند (کسائی، ۱۳۸۳: ۲۸۸ و ۲۹۶).

«ناصرکبیر» (اطروش)، حاکم علوی تبرستان، برای گسترش مذهب شیعه، در شهر آمل مدرسه و دارالکتاب (کتابخانه) تأسیس کرد (ابن اسفندیار، ۱۳۶۶: ۹۷/۱). این مدرسه بیش از چهل سال آباد و دایر بود (آملی، ۱۳۴۸: ۱۱۰). در طی این سال‌ها «از اطراف جهان برای استفاده پیش او آمدندی و اقتباس فنون علوم کردندی از فقه و احادیث و نظرو شعر و ادب» (ابن اسفندیار، ۱۳۶۶: ۲۷۵/۱). پس از وی، «حسن بن قاسم» (داعی صغیر) یکی دیگر از حاکمان علوی تبرستان نیز مدرسه‌ای در شهر آمل بنا نهاد (آملی، ۱۳۴۸: ۱۱۲). در عصر سامانی،

تا کهنسال می‌آموختند. تدریس در مکتب‌خانه‌ها و مدارس دینی نیز بر عهده ملاها و روحانیون بود. معمولاً بزرگان و اعیان فرزندان خود را به مکتب‌خانه‌های عمومی نمی‌فرستادند بلکه از معلم سرخانه در مکتب‌خانه‌های خصوصی بهره می‌بردند (شمیم، ۱۳۸۹: ۳۵۵). تربیت شاهزادگان قاجاری از سه یا چهار سالگی آغاز می‌شد، آنان ابتدا خواندن نماز و سپس در هفت سالگی عربی، فارسی، قرائت قرآن کریم و اصول و قواعد مذهب شیعه را می‌آموختند (ملکم، ۱۳۸۰: ۸۱۴/۲). اعیان، اشراف و بزرگان قاجاری حضور فرزندان خود در مکتب‌خانه‌های عمومی را شایسته مقام و طبقه اجتماعی خود نمی‌دانستند و معتقد بودند به تربیت آنان آسیب خواهد زد. از این رو اتاقی از بخش بیرونی خانه و عمارت خود را برای آموزش فرزندان خود، نزدیکان و بستگان هم‌رده خود اختصاص می‌دادند (مستوفی، ۱۳۸۴: ۲۱۸/۱). کودکان در این مکتب‌خانه‌ها با آداب سلام گفتن، آمدن و رفتن، نشستن و برخاستن، حروف و اعراب قرآن، آداب روزه، وضو و طهارت، قرائت قرآن (عم جزء)، اصول و فروع دین، پیامبران اولوالعزم و امامان و روزهای مذهبی آشنا می‌شدند (اعتصامی، ۱۳۷۵: ۲۰۷). معلمان مکتب‌خانه‌های خصوصی نیز از طلاب و ملاها بودند که روزانه چند ساعتی را برای تدریس به خانه بزرگان می‌رفتند و یا بیشتر اوقات در همان مکتب‌خانه زندگی می‌کردند. «عبدالله مستوفی» درباره معلم سرخانه خود چنین نوشته است: «این معلم ماهی بیست و پنج قران موجب می‌گرفت. اکثر هم چون خانواده‌اش در تهران نبود، در مکتب‌خانه منزل داشت و برای او شام و نهار از آشپزخانه می‌دادند. یک نفر نوکر هم مواظب آوردن شام و نهار برای آخوند و زُفت و روب مکتب‌خانه بود» (مستوفی، ۱۳۸۴: ۲۲۰/۱). در بیشتر شهرها و روستاها مکتب‌خانه‌های متعددی دایر بود. مکتب‌خانه‌های عمومی برای کودکان کم سن و سال (بین ۴ تا ۷) معمولاً به صورت مختلط برگزار می‌شد. این‌گونه مکاتب توسط زن مسنی که آخوندباجی، ملاباجی، میرزاباجی و یا شاه‌باجی می‌نامیدند، اداره می‌شد. او به کودکان سوره‌های کوتاه قرآن از جزء سی (عم جزء)، اخلاق، شریعت و الفبا را آموزش می‌داد (رضوی زاده، ۱۳۹۱: ۱۸). کودکان پس از طی این دوره از سن هفت سالگی به مکتب‌خانه‌های عمومی می‌رفتند. مکتب‌خانه‌های دخترانه و پسرانه از یکدیگر مجزا بود، بیشتر مکتب‌خانه‌ها به پسران اختصاص داشت و تعداد کمتری از آنها در اختیار آموزش دختران بود (تکمیل همایون، ۱۳۸۵: ۲۷). محل مکتب‌خانه در شهرها و روستاها در سرگذرها، مساجد، مشاهد و خانه مکتب‌داران دایر می‌شد. در مکتب‌خانه‌ها، شاگردان از هر سن و سالی در کنار یکدیگر درس می‌خواندند زیرا اساس کار آموزش بر مبنای فردی قرار داشته و با توجه به استعداد و یادگیری هر فرد انجام می‌گرفت. ملای مکتب، به هر کودک جداگانه درس می‌داد و روز بعد از آنها می‌پرسید. چنانچه شاگرد مطالب را فراگرفته بود درس جدیدی را می‌آموخت (سجادی، ۱۳۹۱: ۱۴۷). مکتب‌خانه هر روز در دو نوبت از صبح تا نماز ظهر و عصر و بعد از ظهرها تا وقت اذان مغرب دایر بود. هر صبح شاگرد مکتب با خود تکه حصیر، نمب، پوست تخت و یا تشکچه‌ای برای نشستن می‌آورد. شاگردان به صورت دایره‌ای در یک اتاق زیر نظر ملا آموزش می‌دیدند. نظافت و تهیه وسایل مورد نیاز مکتب‌خانه بر عهده شاگردان بود. شاگردانی که وضع مالی خانواده‌شان ضعیف بود، روزهای جمعه، پشته‌ای هیزم به نام

مدارس متعددی در شهرهای خراسان و ماوراءالنهر هم چون نیشابور و بخارا شکل گرفت که محلی برای مجالس درس عالمان و استادان بود (ذنون ثامری، ۱۳۹۴: ۵۵).

به همت «خواجه نظام الملک توسی» وزیر بزرگ سلجوقیان، مدارس نظامیه در شهرهایی چون بغداد، بلخ، نیشابور، اصفهان، بصره، مرو، آمل، موصل، هرات و توس بنیاد نهاده شد. هدف او از تأسیس این مدارس گسترش فقه شافعی، تقویت و تحکیم نهاد مذهب سنت و مبارزه با اسماعیلیان بود (کسائی، ۱۳۶۳: ۶۹.۷۳؛ یوسفی، ۱۳۸۹: ۱۸۹). خواجه نظام الملک برای اشاعه فقه شافعی در ناحیه شیعه‌نشین تبرستان، مدرسه‌ای را در شهر آمل برای عبدالواحد بن اسمعیل معروف به «ابوالمحاسن رویانی» فقیه شافعی برپا کرد. «ابن اسفندیار» این فقیه تبری را امام شهید، فخرالاسلام و شافعی دوم خوانده و ذکر می‌کند که مدرسه نظامیه آمل تا سده هفتم هجری هم چنان باقی و آباد بوده است (ابن اسفندیار، ۱۳۶۶: ۱۲۳/۱). حمله ویرانگر مغولان در اوائل سده هفتم هجری موجب نابودی بسیاری از مساجد، مدارس، کتابخانه‌ها و سایر مراکز فرهنگی به ویژه در نواحی شرقی ایران گردید. پس از تشکیل حکومت ایلخانان و به دلیل حضور وزیران دانشمند در دربار آنان، برخی از نهادهای علمی و آموزشی گذشته، تجدید حیات یافته و منجر به تأسیس نهادهای آموزشی جدیدی چون رصدخانه مراغه و ربع رشیدی شد (کسائی، ۱۳۸۳: ۵۳۱).

در عصر صفوی و با رسمی شدن مذهب تشیع، علمای شیعه مورد توجه قرار گرفتند؛ در نتیجه مساجد، مکاتب و مدارس گسترش یافت و تعداد طلاب دینی نیز فزونی گرفت. سیاحان اروپایی از علاقه‌مندی ایرانیان به فراگرفتن علوم یاد کرده‌اند (راوندی، ۱۳۸۳: ۱۱۳). آموزش مبانی مذهب تشیع و ایجاد محبت به امامان شیعه و اهل‌البیت پیامبر (ص)، اساس کار مکاتب و مدارس قرار گرفت. علوم دینی بیشتر مورد توجه قرار گرفت و علوم طبیعی، ریاضی، حکمت و ادبیات کم رنگ شد (صدیق، ۱۳۳۴: ۱۱۱.۱۱۳). در دوره «سلطان محمد خدابنده»، نخستین گام برای ترویج علوم و فنون جدید برداشته شد. هنگامی که «پرسیمون مورالس» کشیشی که زبان فارسی می‌دانست به عنوان سفیر از سوی نایب السلطنه هند پرتغال به ایران آمد، به گرمی مورد استقبال قرار گرفت. شاه به او مأموریت داد تا به فرزندش حمزه میرزا، ریاضی و نجوم بیاموزاند (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۰: ۲۲۹/۱). در دوره‌های افشاریه و زندیه به دلیل شورش‌ها و جنگ‌های خارجی اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران دچار آشفتگی بسیار شد. از تعداد مکاتب و مدارس کاسته شد اما اصول آموزش عصر صفوی هم چنان تداوم داشت. تنها در زمان آرامش نسبی حکومت کریم خان زند، چند مسجد و مدرسه ساخته شد (صدیق، ۱۳۳۴: ۱۲۷).

### آموزش سنتی در عصر قاجار

تعلیم و تربیت در عصر قاجار هم چون دوره‌های پیش در اختیار علما و روحانیون قرار داشت. مساجد، مکاتب و مدارس دینی مهم‌ترین مراکز آموزشی کشور بودند. مساجد و منابر به عنوان مراکز مهم اجتماعی مردم و کانون ارشاد اخلاقی و مذهبی بودند. روحانیون با وعظ در مساجد و تکایا، احکام شرعی و مبانی مذهبی و اخلاقی را به مردم از کودک



می‌گرفتند و مشغول خواندن می‌شدند، اگر در جایی دچار مشکل می‌شدند و نمی‌توانستند بخوانند به ملا مراجعه می‌کردند. بیشتر وقت ملاها برای الفباخوان‌ها یا ابجدخوان‌ها صرف می‌شد زیرا این گروه با درس ناآشنا بودند (فولادی، ۱۳۹۱: ۹). ملای مکتب از میان شاگردان، بهترین آنها را به عنوان خلیفه یا جانشین خود انتخاب می‌کرد تا در کارهای آموزشی و تربیتی کمک کار او باشد (اعتصامی، ۱۳۷۵: ۲۱۳).

کودکان هر روز از شنبه تا پنج‌شنبه برای تعلیم و تربیت به مکتب خانه می‌رفتند. روزهای پنج‌شنبه درس‌های خواننده را پس می‌دادند، اگر غلطی داشتند توسط ملا یا خلیفه تنبیه می‌شدند. تنبیه در مکتب خانه برای ایجاد ترس و وحشت و فرمانبرداری شاگردان بود و نیز یک ابزار آموزشی به شمار می‌آمد. زیرا این عقیده رایج بود که استفاده از تنبیه موجب عدم فراموشی دروس توسط شاگردان می‌شد. اگر شاگردی کلمه و حرکتی را فراموش می‌کرد مورد تنبیه قرار می‌گرفت تا پس از آن یادش نرود و بر دروس خود مسلط گردد (رضوی زاده، ۱۳۹۱: ۲۳). جمعه‌های هر هفته مکتب خانه‌ها تعطیل بودند. این روز به تفریح و بازی و نظافت اختصاص داشت. بچه‌ها تنها می‌توانستند به بازی‌های مجاز بپردازند. قمار بازی و قاپ بازی از جمله بازی‌های ممنوع بود. اگر خلیفه به ملا گزارش می‌داد که یکی از شاگردان در روز جمعه بازی‌های غیرمجاز انجام داده، آن شاگرد به دستور ملا به فلک بسته می‌شد (فولادی، ۱۳۹۱: ۱۶). به غیر از روزهای جمعه، دهه اول محرم، دهه آخر ماه صفر، ماه مبارک رمضان و یک هفته در عید نوروز نیز جزو روزهای تعطیل مکتب خانه‌ها به حساب می‌آمد (اعتصامی، ۱۳۷۵: ۲۵۸). در فصل تابستان بیشتر مکتب خانه‌ها تعطیل بودند. در نواحی که مردم به بیلاق کوچ می‌کردند، مکتب داران به همراه آنان کوچیده و مکتب را برپا می‌ساختند. در کوهستان‌های مازندران از جواهرده رامسر، کلاردشت، کجور، لاریجان، بندپی، سوادکوه و هزارجریب این‌گونه مکاتب در تابستان دایر می‌شد (خدایپرست، ۱۳۸۴: ۲۸؛ قلی‌پور و الهی، ۱۳۹۳: ۱۳).

«جمعه پشته» تهیه کرده و به مکتب خانه می‌بردند (خدایپرست، ۱۳۸۴: ۲۲). معلم مکتب با سلیقه یا دانش خود کتاب‌هایی را برای تدریس کودکان انتخاب می‌کرد. خواندن درس با صدای بلند و به صورت هم‌خوانی انجام می‌شد. ملایان مکاتب عقیده داشتند در حالت هم‌خوانی کلمات به درستی تلفظ می‌شود و شاگردان تمرکز بیشتری پیدا می‌کنند، در نتیجه خواندن با صدای بلند و یک‌آهنگ منجر به یادگیری بهتر کودکان است. در این شیوه یادگیری، تنها حافظه محوری دارای اهمیت بود و تأکید بر فهمیدن و اندیشیدن وجود نداشت (تکمیل همایون، ۱۳۸۵: ۲۶). شاگردان مکتب خانه علاوه بر قرائت قرآن کریم، کتاب‌هایی چون صد کلمه حضرت امیر (ع) به عربی و فارسی، مثنوی نان و حلوی شیخ بهایی، موش و گربه عبید زاکانی، پندنامه عطار، گلستان سعدی، دیوان حافظ، قصه حسین کردشستر، نصاب ابونصر فراهی، امثله و حلیه المتقین و ... را می‌خواندند. هم‌چنین خوش نویسی و خط سیاق را می‌آموختند (اعتصامی، ۱۳۷۵: ۲۱۰). کودکان پس از دو سه سال تعلیم در مکتب خانه‌ها، خواندن کتاب‌های سطح بالاتر و دشوارتر فارسی و عربی مانند: صرف میر شریف جرجانی، مختصر تلخیص سکاکی و مقدمه نحو زمخشری را شروع می‌کردند (تکمیل همایون، ۱۳۸۵: ۲۹). علاوه بر آموزش دروس، آداب و حکمت عملی نیز به کودکان یاد می‌دادند: «مثلاً می‌گویند: تعظیم والدین بکن، به پیران معمر احترام بجا آر، گوش به نجوای مردم مده، کاغذی که به دیگری نوشته‌اند مخوان، سر مردم را ابراز نکن [و] در حضور تو اگر ظرفی شکستند یا غیبت کردند، بیایند و ماجرا را از تو جویا شوند بگو من ندیدم و خبر ندارم. از این قبیل چیزها هر روزه، دو فقره یا سه فقره تعلیم اطفال می‌کنند و ضبط آن را می‌خوانند» (رضوی زاده، ۱۳۹۱: ۲۵).

در هر مکتب خانه دروس در چهار مقطع آموزش داده می‌شد: (۱) الفباخوان یا ابجد خوان، (۲) پنج‌الحمد خوان یا عم‌جزء خوان، (۳) قرآن خوان، (۴) کتاب خوان. قرآن خوان‌ها و کتاب خوان‌ها در ابتدا درس



دره آملیای سیاه واقع در مینوجوق - دو تاریخ ۳۰ خرداد ۱۳۰۵ - ۲۰ تیر ۱۳۰۵ - ۱۳۰۶

ردیف	نام و نام خانوادگی	تاریخ تولد	تاریخ وفات	دوره تحصیلی	محل تولد	محل وفات	سایر اطلاعات
۱	آملی، ...	...	...	...	...	...	...
۲	...	...	...	...	...	...	...
۳	...	...	...	...	...	...	...
۴	...	...	...	...	...	...	...
۵	...	...	...	...	...	...	...
۶	...	...	...	...	...	...	...
۷	...	...	...	...	...	...	...
۸	...	...	...	...	...	...	...
۹	...	...	...	...	...	...	...
۱۰	...	...	...	...	...	...	...
۱۱	...	...	...	...	...	...	...
۱۲	...	...	...	...	...	...	...
۱۳	...	...	...	...	...	...	...
۱۴	...	...	...	...	...	...	...
۱۵	...	...	...	...	...	...	...
۱۶	...	...	...	...	...	...	...
۱۷	...	...	...	...	...	...	...

طبع و خیال ایرانیان است فرا می‌گیرند... مطالعه متن و تفسیر قرآن و تبحری در ادب فارسی و تعلق خاطر نسبت به بعض اباطیل که تحت عنوان فلسفه در شرق وانمود می‌شود و علاقه و اخلاصی در کار بحث و جدل دانشمندان از جمله دروس مدرسه است. در هر شهر نسبتاً معتبر یک یا چند تا از این قبیل مراکز هست» (کرزن، ۱۳۷۳: ۶۳۷). طلاب مدارس دینی، مقدمات علوم اسلامی را با حفظ نمودن نصاب الصبیان و آموختن جامع المقدمات شروع می‌کردند. سپس سیوطی و حاشیه آن، تبصره علامه در فقه، شرح نظام در صرف، شرایح محقق، مطول و کتاب لمعه را آموزش می‌دیدند (قلی پور و الهی، ۱۳۹۳: ۲۵).

### مدارس قدیمی و مکتب‌خانه‌های آمل

پیش از تأسیس مدارس نوین به سبک و سیاق اروپایی در مازندران، تعلیم و تربیت به شیوه سنتی در مدارس دینی و مکتب‌خانه‌ها جریان داشت. همان‌طور که پیش‌تر آمد در زمان حکومت علویان تبرستان در سده سوم و در زمان سلجوقیان مدرسی در آمل بنیاد نهاده شد. گفته‌اند در سده هفتم هجری و در زمان حکومت «ملک تاج الدوله یزدگرد بن شهریاری»، آمل شهری آباد بود و مدارس متعددی داشت که هفتاد مدرس در آن به طالبان علم و دین درس می‌گفتند (مرعی، ۱۳۴۵: ۱۱۹). رایینو کنسول دولت بریتانیا در شهر رشت در سال‌های ۱۲۸۸ و ۱۲۸۹ هـ.ش به مازندران مسافرت و از شهر آمل دیدن کرد. او از مسجد جامع آمل و مدرسه دینی در کنار آن نام می‌برد. «مسجد جامع که از سبزه میدان چندان دور نیست ساختمانی بسیار قدیمی است. ولی قسمت غربی آن در اثر زلزله خراب شده بود و به سال (۱۲۲۵ هجری) بوسیله آقا علی اشرف مشائی تعمیر یافته. متصل به مسجد مدرسه‌ای است که در مدخل آن دو

مکتب‌خانه‌ها از نخستین روز ورود کودک تا یادگیری گام به گام مطالب و سرانجام به پایان رساندن دوره، آداب و رسوم ویژه‌ای داشتند. عبدالله مستوفی درباره نخستین حضورش در مکتب چنین می‌نویسد: «یک روز ساعت خوش کردند و مرا با یک کله قند نیم منی و یک توپ قدک برای آخوند به مکتب فرستادند» (مستوفی، ۱۳۸۴: ۲۱۸/۱). هدیه دادن در زمان اولین حضور در مکتب‌خانه در مازندران نیز رایج بود. برنج، مرغ و خروس، نان و کلوچه، حلوا و... رایج بود. مکتب‌دار از هر شاگرد در ابتدای ورود یک کیسه ذغال می‌گرفت. هر وقت شاگرد مطلب مهمی را می‌آموخت، خانواده کودک به ملا ولیمه و انعام می‌داد. اگر کودک به خواندن «قل اعدو» می‌رسید، صد تا کل آغوز (صد دانه گردو) و یا موقع رسیدن به آیه «اذا تلاها»، تلا (خروس) هدیه می‌دادند. وقتی کودکی به آیه «عم یتسالون» می‌رسید، رسم بر این بود که عمه‌اش برایش هدیه‌ای می‌گرفت. از رسم‌های دیگر در مکتب‌خانه‌های مازندران، رسم «چاشت جوش» بود. برای این که ملا متوجه نزدیکی ظهر شود، شاگردان درس‌های خود را با صدای بلندتری می‌خواندند که به آن چاشت جوش می‌گفتند (قلی پور و الهی، ۱۳۹۳: ۱۵ و ۱۶ و ۲۲).

شاگردان پس از طی سال‌های آموزش در مکتب‌خانه، بر حسب استعداد و میزان علاقمندی برای ادامه تحصیل به مدارس دینی می‌رفتند. این مدارس در شهرهای بزرگ و کوچک ایران از محل عواید اوقافی تأسیس شده بود. مهم‌ترین مدارس دینی در عتبات عالیات (عراق) قرار داشت، اما در تهران، اصفهان، مشهد و قم نیز مدارس دینی بزرگی برقرار بود (همان: ۲۵؛ رشیدی، ۱۳۷۰: ۲۶).

«بالتر از مکتب، مدرسه ایرانی است که در آنجا معلومات اندکی نیز راجع به اشعار ملی و آشنایی با دستور زبان و کلماتی پر آب و تاب که باب

روزنامه احصایه سینه واحه در شهر ساری و مکتب‌خانه‌ها و مدارس آنجا در تاریخ ۱۳۶۶ هجری قمری - ۱۳۵۵ شمسی

ردیف	نام مدرسه	تاریخ تأسیس	مدرسین	تعداد شاگردان		تعداد کلاسها	تعداد کتبخانه‌ها	تعداد کتب	تعداد اساتید	ملاحظات
				پسران	کلی					
۱	مدرسه شاه عباس	۱۳۰۰	...	...	...	...	...	...	...	...
۲	مدرسه حاج علی	۱۳۰۰	...	...	...	...	...	...	...	...
۳	مدرسه میرزا علی	۱۳۰۰	...	...	...	...	...	...	...	...
۴	مدرسه میرزا حسن	۱۳۰۰	...	...	...	...	...	...	...	...
۵	مدرسه میرزا محمد	۱۳۰۰	...	...	...	...	...	...	...	...
۶	مدرسه میرزا علی	۱۳۰۰	...	...	...	...	...	...	...	...
۷	مدرسه میرزا حسن	۱۳۰۰	...	...	...	...	...	...	...	...
۸	مدرسه میرزا محمد	۱۳۰۰	...	...	...	...	...	...	...	...
۹	مدرسه میرزا علی	۱۳۰۰	...	...	...	...	...	...	...	...
۱۰	مدرسه میرزا حسن	۱۳۰۰	...	...	...	...	...	...	...	...
۱۱	مدرسه میرزا محمد	۱۳۰۰	...	...	...	...	...	...	...	...
۱۲	مدرسه میرزا علی	۱۳۰۰	...	...	...	...	...	...	...	...
۱۳	مدرسه میرزا حسن	۱۳۰۰	...	...	...	...	...	...	...	...
۱۴	مدرسه میرزا محمد	۱۳۰۰	...	...	...	...	...	...	...	...
۱۵	مدرسه میرزا علی	۱۳۰۰	...	...	...	...	...	...	...	...
۱۶	مدرسه میرزا حسن	۱۳۰۰	...	...	...	...	...	...	...	...
۱۷	مدرسه میرزا محمد	۱۳۰۰	...	...	...	...	...	...	...	...
۱۸	مدرسه میرزا علی	۱۳۰۰	...	...	...	...	...	...	...	...
۱۹	مدرسه میرزا حسن	۱۳۰۰	...	...	...	...	...	...	...	...
۲۰	مدرسه میرزا محمد	۱۳۰۰	...	...	...	...	...	...	...	...
۲۱	مدرسه میرزا علی	۱۳۰۰	...	...	...	...	...	...	...	...
۲۲	مدرسه میرزا حسن	۱۳۰۰	...	...	...	...	...	...	...	...
۲۳	مدرسه میرزا محمد	۱۳۰۰	...	...	...	...	...	...	...	...
۲۴	مدرسه میرزا علی	۱۳۰۰	...	...	...	...	...	...	...	...
۲۵	مدرسه میرزا حسن	۱۳۰۰	...	...	...	...	...	...	...	...
۲۶	مدرسه میرزا محمد	۱۳۰۰	...	...	...	...	...	...	...	...
۲۷	مدرسه میرزا علی	۱۳۰۰	...	...	...	...	...	...	...	...
۲۸	مدرسه میرزا حسن	۱۳۰۰	...	...	...	...	...	...	...	...
۲۹	مدرسه میرزا محمد	۱۳۰۰	...	...	...	...	...	...	...	...
۳۰	مدرسه میرزا علی	۱۳۰۰	...	...	...	...	...	...	...	...
۳۱	مدرسه میرزا حسن	۱۳۰۰	...	...	...	...	...	...	...	...
۳۲	مدرسه میرزا محمد	۱۳۰۰	...	...	...	...	...	...	...	...
۳۳	مدرسه میرزا علی	۱۳۰۰	...	...	...	...	...	...	...	...
۳۴	مدرسه میرزا حسن	۱۳۰۰	...	...	...	...	...	...	...	...
۳۵	مدرسه میرزا محمد	۱۳۰۰	...	...	...	...	...	...	...	...

حکومت‌شان شهر ساری، مدرسه‌ای برای گسترش تشیع برپا کردند. این مدرسه در محله گاوپوستی قرار داشت و به نام مدرسه «شاه غازی»<sup>۳</sup> شهرت یافت (ابن اسفندیار، ۱۳۶۶: ۱۳۶/۲).

در دوره صفویه چند مدرسه علوم دینی در مازندران و در شهرهای بارفروش و فرح آباد بنا شد. شاه عباس اول چند سال پس از استیلاء بر مازندران، در ۱۰۲۰ هـ. ق دستور داد به جای بندر ماهیگیری طاهان در ساحل دریای مازندران، شهری به نام فرح آباد ساخته شود (اسکندریبگ، ۱۳۸۲: ۸۵۰/۲). این شهر مسجد جامعی داشت که محلی برای علم آموزی طلاب نیز بود (ستوده، ۱۳۷۵: ۵۸۶/۴).

در دوره قاجار نیز مدارس دینی دیگری در ساری تأسیس شد. ملگوف که دره ۱۸۶م از این شهر بازدید به عمل آورده از مدارس ساری نام می برد. چهارمسجد به نام‌های: جامع، مصطفی خان، حاج درویش علی و رضاخان هریک دارای مدرسه دینی بودند و دو مدرسه مادرشاهزاده و سلیمان خان نیز اختصاص به تربیت طلاب علوم دینی داشتند (ملگوف، ۱۳۷۶: ۲۰۸؛ عزالدوله. ملگوف، ۱۳۶۳: ۱۵۲). دیگر سیاحانی که در عصر قاجار به ساری آمدند تعداد مدارس این شهر را پنج باب نوشته‌اند (مکنزی، ۱۳۵۹: ۱۲۴؛ میرزا ابراهیم، ۱۳۵۵: ۹۶؛ رابینو، ۱۳۸۳: ۹۴).

شهرساری در سال ۱۳۰۳ هـ. ش دارای هفت مدرسه دینی با سال تأسیس بدین شرح بود: مدرسه قدیمه سلیمان خان ۱۲۷۳ هـ. ق، حاج درویش علی ۱۲۲۵ هـ. ق، حاج مصطفی خان ۱۲۷۳ هـ. ق، امامیه ۱۲۵۶ هـ. ق، نواب علییه ۱۲۲۶ هـ. ق، رضاخان ۱۲۸۴ هـ. ق و مادر شاهزاده (ملک آرا) ۱۲۳۰ هـ. ق. تعداد ۱۲۷ طلبه در این مدارس زیر نظر ۱۲ استاد، دروس علوم دینی را آموزش می دیدند (ساکما: ۲۹۷.۲۰۸۵۸: ۲۹۷.۱۳۷۲۶).

سنگ مرمر با فرمان شاه سلطان حسین نقش بر آن است (رابینو، ۱۳۸۳: ۷۲). به جز مسجد جامع آمل، مسجد هاشمی نیز دارای سبزه حجره بود که در آنها طلاب علوم دینی به تحصیل اشتغال داشتند (علامه، ۱۳۳۸: ۱۰). در یکی از حجره‌های مسجد جامع حاج علی کوچک، حاج ملا علی پیشنماز نائیجی نوری مکتب‌خانه‌ای دایر ساخته و بیشتر عمر خود را صرف تعلیم و تربیت در این مدرسه کرده بود (همان: ۸). در ورقه احصایه مدارس آمل به سال ۱۳۰۶ هـ. ش، نام مدارس دینی آمل بدین شرح آمده است: مدرسه سبزه میدان، مدرسه مسجد جامع، مدرسه مسجد هاشمی، مدرسه حاج علی کوچک، مدرسه مسجد امام حسن عسگری و مدرسه مسجد عباس. در مدارس دینی آمل در این سال تعداد ۱۲۸ نفر شاگرد مشغول آموزش زیر نظر یازده نفر از استادان بودند.

هم چنین در همین ورقه، اسامی مکتب‌خانه‌ها و سال تأسیس آنها بدین ترتیب ذکر شده است: مکتب میرزا ابوالقاسم در ۱۳۰۰ هـ. ش، مکتب میرزا علی دره ۱۳۰۰ هـ. ش و چهار باب مکتب دخترانه که از مؤسسان و تاریخ تأسیس آنها اطلاعی موجود نیست. بر اساس این سند، در مکتب‌خانه‌های پسرانه آمل ۳۰ دانش آموز ۱۴ ساله مشغول تحصیل بودند که در هر مکتب‌خانه یک معلم مرد عهده‌دار آموزش این پسران بوده است. چهار نفر معلم زن نیز در چهار مکتب‌خانه، تعلیم و تربیت تعداد ۸ نفر دختر ۵ تا ۱۲ ساله آملی را بر عهده داشتند (ساکما: ۲۹۷. ۱۰۱۱۲).

**مدارس قدیمی و مکتب‌خانه‌های ساری**

نخستین مدرسه در شهرساری از سوی اسپهبدان باوندی (حک ۴۶۶-۶۰۶ هـ. ق)<sup>۲</sup> ساخته شد. این اسپهبدان بر تشیع امامیه بودند و در مرکز

۲- دولت باوندیان اسپهبدیه در مازندران، هم‌دوره با سجولقیان و اوایل خوارزمشاهیان بوده است.  
 ۳- شاه غازی، لقب اسپهبد رستم بن علی نصرت الدوله (حک ۵۳۳-۵۵۸ هـ. ق) پنجمین پادشاه سلسله بوده است که به راه‌اندازی مدارس و کتابخانه‌ها اهمیت بسیاری می داد.

«احسان طبری» در خاطرات کودکی خود از رفتن به مکتب‌خانه آفاسیدعبدالمجید در محله امامزاده یحیی ساری سخن می‌گوید. او به زیبایی محیط مکتب‌خانه، آموزش‌های سنتی خواندن و نوشتن، قرائت سوره‌هایی از قرآن، حفظ نمودن بخش‌هایی از گلستان سعدی، تنبیه‌های آن را توصیف نموده و به خوبی وضعیت آموزش سنتی در مکتب‌خانه‌های آن روزگار را روشن ساخته است. «سیدعبدالمجید با عمامه سیاه بزرگ و شل بسته، چهره ناخوش و لاقید، عبای تریاکی رنگ خشن پشمی، بردشکچه‌ای فرسوده نشسته و مرادستور نشستن داد. مکتب حجره‌ای بود از حجرات مدرسه، منتهی کمی بزرگ، انباشته از کودکان کلاه نمدی و قدک به تن که چستک‌های چرمی گل آلودشان سکوی جلوی حجره را پر کرده بود. در کنار مکتب‌دار، خلیفه و پسر ارشدش سیدرحیم با صورت سفید مات و پلک‌های کلفت سرخ و لبان قیطانی و قامت لندهور نشسته بود. سیدرحیم قیافه عبوس و لاقید پدر را با نوعی عصبانیت آماده به اشتعال همراه داشت. او در غیبت پدرش مکتب را با صلابتی صد چندان اداره می‌کرد و گویی خوش بود که مثنی اطفال کچل و تراخمی و زردنبو و آبله رو و فقیر تحویل او شده‌اند، تا او آنها را مانند میرغضب دستاقخانه شکنجه کند» (طبری، ۱۳۵۸: ۹۹ و ۱۰۰).

#### مدارس قدیمی و مکتب‌خانه‌های بارفروش (بابل)

قدیمی‌ترین مدارس دینی بارفروش مدرسه‌های حاج ابراهیم و حاج کاظم بیگ نام دارند که در سال ۹۵۲ ه. ق ساخته شدند (ساکما: ۲۰۸۵۸، ۲۹۷). ستوده سال بنای مدرسه و مسجد کاظم بیگ را ۱۰۹۲ ه. ق ذکر کرده که توسط شخصی به نام حاج کاظم بیگ تأسیس شده است (ستوده، ۱۳۷۵: ۲۲۳/۴). علاوه بر این دو مدرسه، مدارس دیگری نیز در عصر صفویه در شهر بارفروش تأسیس شده که عبارتند از: مدرسه روحیه در ۱۰۲۵ ه. ق، مدرسه ملا شاه محمد در ۱۱۰۰ ه. ق، قادریه در ۱۱۰۰ ه. ق و حاج میرمحمد بیگ در ۱۱۴۵ ه. ق ساخته شدند (ساکما: ۲۰۸۵۸، ۲۹۷ و ۱۰۱۱۲: ۲۹۷). در زمان سلطنت قاجارها نیز هفت مدرسه دیگر به نام‌های، مدرسه صدراعظم در سال ۱۲۰۴ ه. ق، مدرسه علامه در سال ۱۲۰۶ ه. ق، میرزا زکی به سال ۱۲۲۱ ه. ق، حاج علی اکبر در ۱۲۷ ه. ق، حاج سید حسن در ۱۳۰۰ ه. ق، قهاریه در ۱۳۰۰ ه. ق و مدرسه گلشن در ۱۳۰۴ ه. ق تأسیس شد (همان: ۲۰۸۵۸، ۲۹۷).

مدرسه صدراعظم بارفروش به دست میرزا شفیع مازندرانی، صدر اعظم فتحعلیشاه قاجار ساخته شده است. بر خلاف سند فوق که تاریخ ساخت این مدرسه را در ۱۲۰۴ ه. ق ذکر کرده، مدرسه به سال ۱۲۱۷ ه. ق تأسیس شده است. محمد صادق ناطق اصفهانی قطعه شعری دارد که ماده تاریخ این مدرسه را ۱۲۱۷ ه. ق اعلام می‌کند (نیاکی، ۱۳۷۹: ۴۹۰). ناصرالدین شاه در روزنامه سفر مازندران از مدرسه صدر یاد کرده است: «مدرسه [ای] به نظر آمد بسیار عالی از بناهای میرزا شفیع صدراعظم خاقان مرحوم. مدرسه آباد، دایر، طلبه نشین، درخت نارنج بسیار داشت» (ناصرالدین شاه و اعتمادالسلطنه، ۱۳۸۹: ۱۷۶). ملگونف در سال ۱۸۶۰م از بارفروش دیدن کرده، او تعداد مدارس این شهر را بیست باب برآورد کرده و نوشته است: «مدارس و مکتب‌خانه‌ها را بیست در تخمین می‌زنند و آنها را به نام مسجد یا امامزاده‌ای می‌خوانند که در آن قرار دارد» (ملگونف، ۱۳۷۶: ۲۲۱). از جمله این مساجد را نام می‌برد:

بر اساس ورقهٔ احصائیه دربارهٔ مکاتب ساری، در ۱۸ حوت ۱۲۹۸ ه. ش تعداد ۴۷ مکتب‌خانه در ساری دایر بوده است. از این تعداد ۱۳ مکتب‌خانه پسرانه به نام‌های: مکتب میرزا علی اصغرخان و میرزا محمدعلی واقع در مسجد حاج مصطفی خان، شیخ علی اکبر در مدرسه شاه غازی، شیخ غلامعلی، آقا حسن، آقا سیدمحمدباقر، سیدرضا و شریعت شمس زاده در مدرسه سلیمان خان، سیدعبدالحسین در کوچه نمدمال بازار مدرسه نواب علیه، آقا شیخ محمد تقی در مدرسه رضاخان، شیخ محمد در دروازه بارفروش، ملا رقیه در سبزه میدان، شیخ تقی در چاله مسجد، ۷ مکتب دخترانه به نام‌های: ملا خدیجه در محله قلیچ، ملا کشور در محله چاله مسجد، ربابه در محله آب انبارنو، معصومه در محله چاله باغ، عیال سید و دختر سیدموسی در محله امامزاده یحیی، شیخ علیجان در محله امامزاده عبدالله و ۲۷ مکتب‌خانه مختلط به نام‌های: شیخ حسین، مشهدی لیلا و ملا روشنگر در محله قلیچ، شیخ اکبر در محله باقرآباد، عالیه، ملا کوکب، زهرا سلطان و عیال سیدتقی در محله نعلبندان، ملا صغری و ملا کلثوم در دروازه بارفروش، کربلایی خانم در شاه غازی، ساره خاتون و صدیقه در محله آب انبارنو، سیده صغری در محله میرمشهد، ام لیلا در محله بهرام اتر، کربلایی خانم و حمیده خانم در محله همت‌آباد، ملاعظمت در محله پیرتکیه، ملا بارفروشی در دروازه استرآباد، سیده فاطمه و شهریه خانم در محله آب انبارنو، ملا فاطمه در محله میرسرروضه، ملا سکینه، کربلایی خانم، ملا بلقیس و معصومه در محله اصفهانی و عیال سید محسن در محله چاله باغ به تعلیم و تربیت دختران و پسران ساروی اشتغال داشته‌اند. در این مکتب‌خانه‌ها تعداد ۳۳۸ شاگرد پسر از سن ۴ تا ۱۵ سالگی و ۲۶۲ دختر از سن ۵ تا ۱۲ سالگی خواندن و نوشتن می‌آموختند. از ۴۷ نفر معلم مکتب‌خانه‌ها، ۱۵ نفر مرد با میانگین سنی ۳۲ سال و ۳۲ نفر زن با میانگین سنی ۳۱ سال بودند (همان: ۲۹۷، ۵۱۰۸۴). در سند دیگری از آمار مدارس و مکاتب ساری در آخر خرداد ۱۳۰۶ ه. ش، تعداد مکاتب ساری به میزان ۴۳ درصد کاهش یافته و از ۴۷ مکتب‌خانه به ۲۰ مکتب رسیده است. مکاتب پسرانه از ۱۳ مکتب‌خانه به ۹ مکتب، دخترانه از ۷ به ۱ مکتب و مختلط از ۲۷ به ۱۰ مکتب کاهش یافته است. این سیر نزولی در تعداد شاگردان نیز مشاهده می‌گردد. از ۳۳۸ شاگرد پسر در سال ۱۲۹۸ ه. ش به ۲۸۸ شاگرد رسیده و تعداد دختران نیز کاهش شدیدی را نشان می‌دهد، از ۲۶۲ شاگرد دختر به ۷۶ نفر رسیده است. دلیل عمدهٔ این کاهش می‌تواند گسترش مدارس جدید و استقبال بیشتر مردم از این‌گونه مدارس در ساری باشد. تا سال ۱۳۰۴ ه. ش مکتب‌خانه‌های زیر در ساری پابرجا بود و به حیات آموزشی خود ادامه می‌داد: مکاتب پسرانه شیخ غلامعلی در مدرسه سلیمان خان، میرزا محمدعلی و میرزا علی اصغر خان در مسجد حاج مصطفی خان، شیخ تقی مقدس در چال مسجد، مسکین ساروی در تکیه حاج حیدرعلی، سیدعبدالحسین در مدرسه نواب علیه، آقا سیدعلی و میرزا علی اکبر در مدرسه شاه غازی و سیدعبدالحسین در مدرسه حاج درویشعلی، مکتب دخترانه زینب خانم در چال مسجد و مکاتب مختلط سکینه و کربلایی ربابه در میرسرروضه، ملا لیلا و ملا صدیقه در محله قلیچ، سیدابراهیم در تکیه علی جان بیگ، ملا سکینه در همت‌آباد، ملا صغری و ملا مریم در امامزاده یحیی، کربلایی خانم و ملا باجی در اصفهانی محله (همان: ۲۹۷، ۱۳۷۲۶).

روزنامه اجمالیه سبز و دانه سبز ۱۳۴۶

ردیف	نام	تاریخ	محل	تعداد		مقدار		کیفیت		توضیحات		تاریخ	
				عدد	مقدار	عدد	مقدار	کیفیت	توضیحات	تاریخ	توضیحات		
۱	سبز	۱۳۴۶	سبز	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۲	سبز	۱۳۴۶	سبز	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۳	سبز	۱۳۴۶	سبز	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۴	سبز	۱۳۴۶	سبز	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۵	سبز	۱۳۴۶	سبز	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱

بارفروش، مکتب‌خانه، کتاب‌خانه، تورات‌خانه و کنیسه دایر کرده بودند و در مکتب‌خانه به فرزندان خود زبان عبری می‌آموختند (مکنزی، ۱۳۵۹: ۸۳، میرزا ابراهیم، ۱۳۵۵: ۱۱۸، ملگونف، ۱۳۷۶: ۲۲۰).

بر اساس ورقهٔ احصاییه مدارس بارفروش در خرداد ۱۳۰۶ هـ. ش، بیست و یک مکتب‌خانه در این شهر به فعالیت اشتغال داشتند که همگی در دورهٔ قاجار تأسیس شده بودند. از این تعداد، هشت مکتب پسرانه، دوازده مکتب دخترانه و یک مکتب خاص کلیمیان بوده است. در مکتب کلیمیان ۴۸ شاگرد ۵ تا ۱۶ ساله تحت آموزش قرار داشتند. مکاتب پسرانهٔ بارفروش ۳۰۱ شاگرد ۵ تا ۱۸ ساله و در مکتب‌خانه‌های دخترانه، ۳۰۸ شاگرد ۵ تا ۱۶ سال مشغول فراگرفتن خواندن و نوشتن بودند (ساکما، ۱۹۷۱: ۱۱۲).

### مدارس قدیمی و مکتب‌خانه‌های اشرف (بهشهر)

شهر اشرف در زمان پادشاهی شاه عباس اول ساخته شد. سیاحانی که در عصر قاجار از این شهر دیدن کرده‌اند از تعدادی مدرسه دینی و مکتب‌خانه نام برده‌اند. مکنزی و میرزا ابراهیم تعداد مدارس قدیمی اشرف را چهار باب نوشته‌اند (مکنزی، ۱۳۵۹: ۱۳۹، میرزا ابراهیم، ۱۳۵۵: ۸۱). ملگونف از مساجد و مدارس شهر اشرف بدین شرح نام می‌برد: مسجد و مدرسه محمد ناصر خان، مسجد و مدرسه باشی، مسجد و مدرسه میرزا مهدی اشرفی و مدرسه ملاصفر علی که در میان مدارس شهر شهرت دارد (ملگونف، ۱۳۷۶: ۱۹۶، عزالدوله، ملگونف، ۱۳۶۳: ۱۴۶).

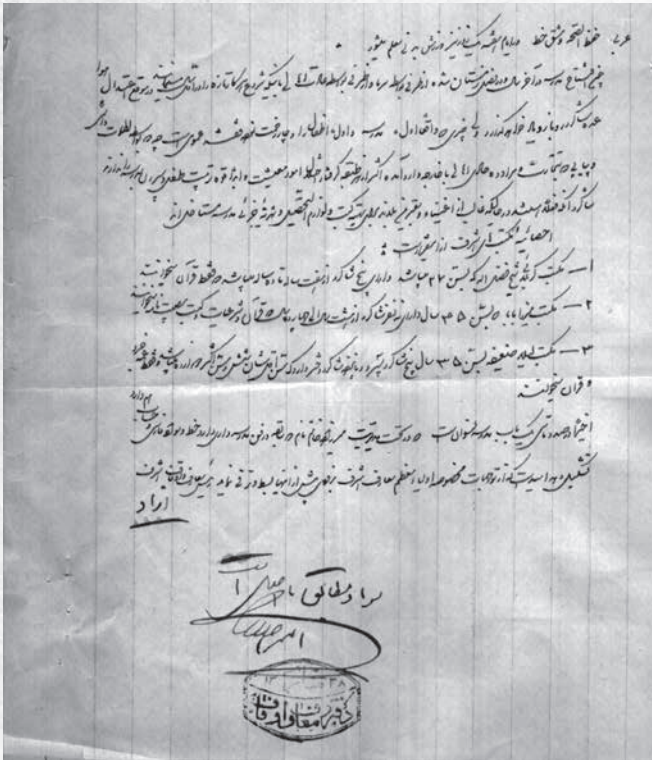
بنابر سندی متعلق به ۱۳ حوت سال ۱۲۹۸ هـ. ش، سه مکتب‌خانه در شهر اشرف دایر بوده است. گویا دو مکتب به آموزش پسران اختصاص داشته و یک مکتب مختلط بوده است. در این سه مکتب‌خانه تعداد ۳۴

مسجد جمعه، مسجد میرزا بابا، مسجد اجاق بند، مسجد زرگر محله، مسجد صدر، مسجد چاله، مسجد رحیمیه، مسجد میرزا شفیق، مسجد هادی، مسجد نقیب کلا، مسجد مراد بیک و مسجد کاظم بیک (همان). این در حالی است که مکنزی که همان سال‌ها به بارفروش سفر کرده تعداد مدارس شهر را شش باب گفته است (مکنزی، ۱۳۵۹: ۸۳). میرزا ابراهیم نیز در عصر ناصری بارفروش را دیده و تعداد مدارس را شش باب نوشته است (میرزا ابراهیم، ۱۳۵۵: ۱۱۸). رابینو در اواخر دوره قاجار جمعیت بارفروش را ۹۱۲۲ خانوار و ۲۵ هزار نفر برآورد کرده و تعداد مدارس را هشت باب نوشته است (رابینو، ۱۳۸۳: ۸۳).

از دیگر مدارس بارفروش در عصر قاجار می‌توان از شریفیه، باقرناظر، سقاباشی، تکیه عبدالحسین خانی مقریکلا، آستانه، مسجد جامع و مسجد محدثین یاد کرد (شکری فومشی، ۱۳۷۹: ۲۹۸، قلی‌پور گودرزی و الهی، ۱۳۹۳: ۲۶۳). مدرسه شریفیه در سال ۱۲۳۵ هـ. ق توسط یکی از بزرگان مازندران و به خاطر ارادت به محمد بن شریف بن ملا حسن علی آملی ملقب به شریف‌العلماء ساخته شد (شکری فومشی، ۱۳۷۹: ۲۹۸). مدرسه باقرناظر که به مدرسه قاضی معروف بوده در محله سرحمام بارفروش قرار داشته است (ستوده، ۱۳۷۵: ۲۳۱/۴).

در مساجد، تکایا و سایر مکان‌ها مکتب‌خانه‌هایی در شهر بارفروش برپا بود. از جمله در مسجد زکی خان، سیدحسن، کاظم بیگ، شاه محمد، گلشن و حاج ابراهیم مهم‌ترین مکتب‌خانه‌های شهر دایر بود (شکری فومشی، ۱۳۷۹: ۲۹۹).

یهودیان بارفروش از اقلیت‌های دینی ساکن این شهر بوده‌اند. جمعیت آنها در اواسط دورهٔ قاجار ۵ خانوار ولی در اواخر این عصره ۷۴ نفر تخمین زده‌اند (عزالدوله، ملگونف، ۱۳۶۳: ۱۵۷؛ رابینو، ۱۳۸۳: ۸۳). یهودیان در



شاگرد (۱۹ پسر و ۱۵ دختر) ۶ تا ۱۴ ساله به تحصیل اشتغال داشتند. این مکتب‌خانه‌ها به نام معلمانش شهرت داشت و عبارت بودند از: مکتب کربلایی شیخ فضل الله، مکتب میرزا بابا و مکتب لیلا ضعیفه. معلمان در مکتب‌خانه‌ها بیشتر قرآن و عم جز را به شاگردان می‌آموختند. میرزا بابا علاوه بر آموزش قرآن و شرعیات، کتاب مصیبت‌نامه را نیز به شاگردانش می‌آموخت. در این سند ذکری از مکان و محل برپایی مکتب‌خانه‌های اشرف نیامده ولی می‌توان حدس زد که مکاتب پسرانه در مدارس دینی شهر برگزار می‌شده است (ساکما: ۲۹۷.۵۱۰۸۴).

مدارس قدیمی و مکتب‌خانه‌های محال ثلاث تنکابن

در محال ثلاث تنکابن و بخش غربی مازندران سه مدرسه دینی در اواخر عصر قاجار فعالیت داشته است. از پیشینه مدارس و مکاتب پیش از عصر قاجار در این ناحیه اطلاعی در دست نیست. در اسناد موجود از چهار مدرسه دینی سخت سر (رامسر)، لرزین، نارنج بن و سلیمان آباد ذکر شده است. از سال تأسیس این مدارس اطلاعی وجود ندارد اما به احتمال فراوان این مدارس در عصر قاجار تأسیس شده بودند (همان: ۲۹۷.۱۱۷۲۸ و ۲۹۷.۱۰۱۱۲). در سلیمان آباد (کلام وریا کلام بر) گلجان، مسجد بزرگی با حجره‌های متعدد وجود داشت که طلاب علوم دینی در آن مستقر بودند. معلم این مدرسه شخصی به نام میرزا محمد مجتهد تنکابنی فرزند میرزا سلیمان بود. این مدرسه دارای کتاب‌خانه خوبی برای استفاده شاگردان تأسیس شده بود (مشایخی، ۱۳۸۰: ۵۳۴). گویا یک مدرسه دینی در مرزدشت خرم آباد قرار داشته که طلاب علوم دینی زیر نظر حاج شیخ فضل الله مشایخی به تحصیل مشغول بودند، از این

مدرسه نامی در اسناد نیامده است (همان). بر اساس ورقه احصائیه مدارس تنکابن در سال ۱۳۰۴ ه. ش در این مدارس تعداد ۶۲ شاگرد و ۹ معلم به تحصیل و تدریس علوم دینی اشتغال داشتند. این تعداد در ۱۳۰۶ ه. ش کاهش یافت و به ۲۵ طلبه و ۵ معلم رسید (ساکما:

ورقه احصائیه مدارس وانه در مرزدشت خرم آباد - تاریخ: ۱۳۰۶

ردیف	نام مدرسه	مدرس	تعداد شاگردان		تعداد معلمان	ملاحظات
			مردان	زنان		
۱	مدرسه کربلایی شیخ فضل الله	...	...	...	...	...
۲	مکتب میرزا بابا	...	...	...	...	...
۳	مکتب لیلا ضعیفه	...	...	...	...	...
۴	مکتب نارنج بن	...	...	...	...	...
۵	مکتب سلیمان آباد	...	...	...	...	...
۶	مکتب لرزین	...	...	...	...	...
۷	مکتب رامسر	...	...	...	...	...
۸	مکتب گلجان	...	...	...	...	...
۹	مکتب مرزدشت	...	...	...	...	...
۱۰	مکتب خرم آباد	...	...	...	...	...
۱۱	مکتب مازندران	...	...	...	...	...

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه - مازندران

ردیف	نام معلم	تاریخ تدریس	نوع مدرسه	تعداد تلامذ	محل	توضیحات
۱	محمدعلی محمدی	۱۳۰۴	تدریس	۲۵	مرکز شهر	
۲	محمدعلی محمدی	۱۳۰۴	تدریس	۱۱	مرکز شهر	
۳	محمدعلی محمدی	۱۳۰۴	تدریس	۷	مرکز شهر	
۴	محمدعلی محمدی	۱۳۰۵	تدریس	۲۰	مرکز شهر	
۵	محمدعلی محمدی	۱۳۰۶	تدریس	۸	مرکز شهر	
۶	محمدعلی محمدی	۱۳۰۷	تدریس	۱۳	مرکز شهر	
۷	محمدعلی محمدی	۱۳۰۸	تدریس	۴	مرکز شهر	
۸	محمدعلی محمدی	۱۳۰۹	تدریس	۱۰	مرکز شهر	
۹	محمدعلی محمدی	۱۳۱۰	تدریس	۱۳	مرکز شهر	
۱۰	محمدعلی محمدی	۱۳۱۱	تدریس	۱۴	مرکز شهر	
۱۱	محمدعلی محمدی	۱۳۱۲	تدریس	۱	مرکز شهر	
۱۲	محمدعلی محمدی	۱۳۱۳	تدریس	۱	مرکز شهر	
۱۳	محمدعلی محمدی	۱۳۱۴	تدریس	۴	مرکز شهر	

صورت مدرسه تدریس بازرسی

ردیف	نام معلم	تاریخ تدریس	نوع مدرسه	تعداد تلامذ	محل	توضیحات
۱	محمدعلی محمدی	۱۳۰۴	تدریس	۲۵	مرکز شهر	
۲	محمدعلی محمدی	۱۳۰۴	تدریس	۱۱	مرکز شهر	
۳	محمدعلی محمدی	۱۳۰۴	تدریس	۷	مرکز شهر	
۴	محمدعلی محمدی	۱۳۰۵	تدریس	۲۰	مرکز شهر	
۵	محمدعلی محمدی	۱۳۰۶	تدریس	۸	مرکز شهر	
۶	محمدعلی محمدی	۱۳۰۷	تدریس	۱۳	مرکز شهر	
۷	محمدعلی محمدی	۱۳۰۸	تدریس	۴	مرکز شهر	
۸	محمدعلی محمدی	۱۳۰۹	تدریس	۱۰	مرکز شهر	
۹	محمدعلی محمدی	۱۳۱۰	تدریس	۱۳	مرکز شهر	
۱۰	محمدعلی محمدی	۱۳۱۱	تدریس	۱۴	مرکز شهر	
۱۱	محمدعلی محمدی	۱۳۱۲	تدریس	۱	مرکز شهر	
۱۲	محمدعلی محمدی	۱۳۱۳	تدریس	۱	مرکز شهر	
۱۳	محمدعلی محمدی	۱۳۱۴	تدریس	۴	مرکز شهر	

۱۳ ۱۳۱۴

تنکابن در روستاهای بامسی، جواهرده، دارالعلم نارنج بن، آخوند محله، چورسر (چیرسر)، گلجان (میاری، ۱۳۹۱: ۱۸ و ۱۹)، مرز دشت، بلده، میانکومحله، عباس آباد، نشتا، شهسوار، سیاورز، سخت سر، لرزبن، میرشمس الدین، سلیمان آباد و دیگر روستاها تأسیس شد (ساکما: ۱۰۱۱۲ و ۲۹۷.۱۱۷۲۸). بر اساس ورقه احصائیه مدارس محال ثلاث تنکابن در سال ۱۳۰۴ ه. ش تعداد ۵۸۸ شاگرد پسر تحت تعلیم و تربیت ۲۵ معلم در مکتب خانه‌ها قرار داشتند. آمار شاگردان مکتب خانه‌ها و معلمان در سال ۱۳۰۶ ه. ش به ۳۳۹ شاگرد و ۱۹ معلم رسید. این کاهش نشانه رشد و گسترش مدارس جدید در این ناحیه در اواخر عصر قاجار و اوائل پهلوی است (همان).

آمار موجود در جدول با توجه ورقه‌های احصائیه مدارس قدیمی و مکتب خانه‌های شهرهای مختلف مازندران متعلق به سال‌های ۱۲۹۸، ۱۳۰۳، ۱۳۰۴ و ۱۳۰۶ ه. ش استخراج شده است. به دلیل عدم وجود آمار شاگردان و معلمان مدارس دینی شهرهای بارفروش و اشرف در ورقه‌های احصائیه، در جدول فوق عددی درج نشده است. هم چنین یکی از مکتب خانه‌های بارفروش به یهودیان این شهر تعلق داشته که ۴۸ شاگرد در آن تحت تعلیم و تربیت بودند. نوع جنسیت شاگردان این مکتب خانه در ورقه احصائیه نامشخص بود از اضافه نمودن آمار آن به

۲۹۷.۱۱۷۲۸ و ۲۹۷.۱۰۱۱۲). برای تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان محال ثلاث تنکابن، مکتب خانه‌های متعددی در شهرها و روستاها تأسیس شده بود. یکی از بهترین آنها مکتب خانه‌ای در خرم آباد دارالحکومه تنکابن قرار داشت. محل این مکتب خانه در ساختمان دو طبقه دیوان خانه جنب مسجد جامع واقع بود. این مکتب خانه را دو نفر معلم به نام‌های آقامیرزاهدی مرجانی و آقاشیخ مهدی طالقانی اداره می‌کردند (علامه، ۱۳۷۷: ۲۷۶). در خرم آباد مکتب خانه دیگری در خانه نصرت نظام دایر بود. معلمان این مکتب خانه دو نفر به نام‌های میرزایحیی و محمد هاشم میرزا بودند که از تهران برای تعلیم و تربیت به این ناحیه آمده بودند (میاری، ۱۳۹۱: ۱۸). در روستای شهسوار در نزدیکی بازار روز، مکتب خانه‌ای در سال ۱۳۰۴ ه. ش تأسیس شده بود که مکتب دار آن خانمی بود که فقط قرآن درس می‌داد. «بعضی نقل می‌کنند که وی جهت ایجاد رعب و ترس در دانش آموزان، به چشمان خود سرمه فراوان می‌کشید تا بچه‌ها بترسند و قرآن را یاد بگیرند» (همان: ۶۹).

قدیمی ترین مکتب خانه سخت سر را شخصی به نام ملا محمد اشکواری علیمرادی در سال ۱۲۹۸ ه. ش تأسیس کرد (خدایپرست، ۱۳۸۴: ۳۸). در اواخر قرن سیزدهم هجری مکتب خانه‌های متعددی در ناحیه

دوره احصای سال ۱۳۰۳ و در شهر ساگرده و در تاریخ ۱۳۰۳

ردیف	نام شهر	نام معلمان	مدرسه	شاگردان	مکتب خانه ها	جمع	ملاحظات
۱	آمل	۶	۱۲۸	۶	۱۱۰	۱۲۸	
۲	ساری	۷	۱۲۷	۴۷	۶۰۰	۱۲۷	
۳	بارفروش	۲۰	-	۲۱	۶۰۹	-	
۴	اشرف	۴	-	۳	۳۴	-	
۵	تنکابن	۴	۶۲	۲۵	۵۸۸	۶۲	
۶	جمع	۴۱	۳۱۷	۱۰۲	۱۹۴۱	۳۱۷	

دوره قاجار در مازندران بر اساس اسناد و مدارک موجود به ترتیب: شهر آمل ۶ مکتب خانه با ۱۱ شاگرد، شهرساری ۴۷ مکتب خانه با ۶۰۹ شاگرد، شهر بارفروش (بابل) ۲۱ مکتب خانه با ۶۰۹ شاگرد، شهر اشرف (بهشهر) ۳ مکتب خانه با ۳۴ شاگرد و تنکابن ۲۵ مکتب خانه با ۵۵۸ شاگرد فعالیت می کردند. در زمینه مدارس قدیم نیز شهر آمل ۶ مدرسه با ۱۲۸ شاگرد، شهرساری ۷ مدرسه با ۱۲۷ شاگرد، شهرهای بارفروش با ۲۰ مدرسه و شهر اشرف با ۴ مدرسه تعداد شاگردان در آن معلوم نیست و تنکابن ۴ مدرسه با ۶۲ شاگرد فعالیت می کردند. بر اساس اسناد موجود و با مقایسه تطبیقی آمار و اطلاعات می توان گفت که پس از رواج مدارس نوین در مازندران، اقبال عمومی مکتب خانه ها رو به کاهش نهاد و تعداد شاگردان به مراتب کمتری در این مراکز تحت آموزش قرار گرفتند. چنانچه مقایسه آمار احصائیه سال های ۱۳۰۳ تا ۱۳۰۶ نشان می دهد که تعداد مکاتب ساری به میزان ۴۳ درصد کاهش یافت و از ۴۷ مکتب خانه به ۲۰ مکتب رسیده است. مکاتب پسرانه از ۱۳ مکتب خانه به ۹ مکتب، دخترانه از ۷ به ۱ مکتب و مختلط از ۲۷ به ۱۰ مکتب کاهش یافته است. این سیر نزولی در تعداد شاگردان نیز مشاهده می گردد. از ۳۳۸ شاگرد پسر در سال ۱۲۹۸ ه. ش به ۲۸۸ شاگرد رسید و تعداد دختران نیز کاهش شدیدی را نشان می دهد، از ۲۶۲ شاگرد دختر به ۷۶ نفر رسیده است. دلیل عمده این کاهش می تواند گسترش مدارس جدید و استقبال بیشتر مردم از این گونه مدارس در ساری باشد. با بررسی همین آمار در شهر تنکابن درمی یابیم که در این شهر نیز آمار تعداد شاگردان به میزان حدود ۴۰ درصد کاهش داشته است.

آمار شاگردان مکتب خانه های بارفروش خودداری شد، تنها در سرجمع تعداد مکتب خانه های این شهر مکتب کلیمیان لحاظ شده است.

### نتیجه گیری

تعلیم و تربیت در عصر قاجار هم چون دوره های پیش در اختیار علما و روحانیون قرار داشت. مساجد، مکاتب و مدارس دینی مهم ترین مراکز آموزشی کشور بودند. تدریس در مکتب خانه ها و مدارس دینی نیز بر عهده ملاها و روحانیون بود. شالوده تعلیم در مکتب خانه ها آموزش خواندن و نوشتن، مقدمات آموزش های دینی و اخلاقی به همراه ادبیات فارسی بوده است و هم چنین در مدارس قدیم نیز مواد درسی بر اساس آموزه های دینی و تکمیل معلومات مرتبط با آن بوده است. اسناد و منابع نشان می دهد که مکان برپایی مکاتب بیشتر در مساجد، تکایا، امام زاده ها و منازل معلمان مکاتب بوده است و اعیان و اشراف نیز در خانه های خود مکاتب را برای کودکان دایر می کردند. مکاتب به سه شکل دخترانه، پسرانه و مختلط بود. که معمولاً در مکاتب مختلط به کودکان ۴ تا ۷ سال آموزش داده می شد. هزینه های اداره مکاتب با والدین شاگردان بود. بیشتر مکتب خانه ها به پسران اختصاص داشت و تعداد کمتری از آنها در اختیار آموزش دختران بود. شاگردانی که دوره مکتب را با موفقیت طی می کردند برحسب علاقه و استعداد جذب مدارس قدیم می شدند. مدارس قدیم که نقش آموزش عالی را داشتند نیز در مکان های اوقافی و عوائد آن تشکیل می شد و در هر شهر تعدادی از این مدارس وجود داشت. البته مهم ترین مدارس قدیم در عتبات عالیات و در سطحی پایین تر در شهرهای تهران، اصفهان، مشهد و قم قرار داشت. در اواخر

ردیف	نام شهر	مدرسه دینی	شاگردان	معلمان	مکتب خانه ها		
					کل	پسر	دختر
۱	آمل	۶	۱۲۸	۱۱	۳۰	۸۰	
۲	ساری	۷	۱۲۷	۱۲	۳۳۸	۲۶۲	
۳	بارفروش	۲۰	-	-	۳۰۱	۳۰۸	
۴	اشرف	۴	-	-	۱۹	۱۵	
۵	تنکابن	۴	۶۲	۹	۵۸۸	۵۸۸	
۶	جمع	۴۱	۳۱۷	۳۲	۱۲۷۶	۶۶۵	

جدول آمار مدارس دینی و مکتب خانه های مازندران در پایان دوره قاجار

کتابنامه

- آملی، اولیاءالله. (۱۳۴۸). تاریخ رویان. تصحیح دکتر منوچهر ستوده. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

- ابن اسفندیار، بهاء‌الدین محمد بن حسن. (۱۳۶۶). تاریخ طبرستان. به تصحیح عباس اقبال. تهران: پدیده خاور.

- احمد، منیرالدین. (۱۳۸۴). نهاد آموزش اسلامی (پایگاه اجتماعی دانشمندان مسلمان در پرتو تاریخ بغداد). ترجمه محمدحسین ساکت. تهران: نگاه معاصر.

- اعتصامی، محمدباقر. (۱۳۷۵). تاریخ آموزش و پرورش رسمی مازندران. ساری: شو رای تحقیقات آموزشی اداره کل آموزش و پرورش مازندران.

- اسکندریبگ ترکمان. (۱۳۸۲). تاریخ عالم آرای عباسی. زیر نظر ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.

- تکمیل همایون، ناصر. (۱۳۸۵). آموزش و پرورش در ایران. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

- جماعه، بدرالدین. (۱۳۸۸). آموزش‌نامه فرهنگ فرادهی و فراگیری در اسلام. گزارش و پژوهش محمدحسین ساکت. تهران: نشر نی.

- خدایپرست، مریم. (۱۳۸۴). تاریخچه آموزش و پرورش رامسر. رامسر: جام آریا.

- رابینو، یاسنت لویی. (۱۳۸۳). مازندران و استرآباد. ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی. تهران: علمی و فرهنگی.

- راوندی، مرتضی. (۱۳۸۳). سیر فرهنگ و تاریخ تعلیم و تربیت در ایران و اروپا. تهران: نگاه.

- رشدیه، فخرالدین. (۱۳۷۰). زندگی نامه پیر معارف رشدیه. تهران: هیرمند.

- رضوی زاده، ماندانا. (۱۳۹۱). «رساله قواعد تدریس اطفال»، دست نامه آموزش مکتب خانه». فصلنامه فرهنگ مردم. ویژه‌نامه قاجار ۲ (آموزش و پرورش کودکان در دوره قاجار). شماره ۴۲.

- ذنون ثامری، احسان. (۱۳۹۴). حیات علمی در روزگار سامانیان. مترجم جمال اشرفی. تهران: علمی و فرهنگی.

- ستوده، منوچهر. (۱۳۷۵). از آستارا تا استرآباد. تهران: آگه.

- سجادی، سید جمال. (۱۳۹۱). تاریخ تحول و جریان های فکری آموزش و پرورش ایران در روزگار قاجار تهران: رسانش نوین.

- شبلی، احمد. (۱۳۸۷). تاریخ آموزش در اسلام (از آغاز تا فروپاشی ایوبیان در مصر). ترجمه محمدحسین ساکت. تهران: نگاه معاصر.

- شکرکی فومشی، محمد. (۱۳۷۹). «پیشینه آموزشی بابل». مجموعه بابل شهر بهار نارنج. تهران: نشر چشمه.

- شمیم، علی اصغر. (۱۳۸۹). ایران در دوره سلطنت قاجار. تهران: بهزاد.

- صدیق، عیسی. (۱۳۳۴). دوره مختصر تاریخ و فرهنگ ایران. تهران: شرکت سهامی طبع کتاب.

- طبری، احسان. (۱۳۵۸). دهه نخستین. تهران: آلفا.

- عزالدوله. ملگونف. (۱۳۶۳). سفرنامه ایران و روسیه (نواحی شمال ایران). به کوشش محمد گلبن و فرامرز طالبی. تهران: دنیای کتاب.

- علامه، صمصام الدین. (۱۳۳۸). یادگار فرهنگ آمل. تهران: تابان.

- \_\_\_\_\_ . (۱۳۷۷). تاریخ جامع تنکابن. تنکابن: بیگی.

- فولادی، علی. (۱۳۹۱). «مکتب خانه». فصلنامه فرهنگ مردم. ویژه‌نامه قاجار ۲

(آموزش و پرورش کودکان در دوره قاجار). شماره ۴۲.

- قلی پور گودرزی، شهرام و یوسف الهی. (۱۳۹۳). تاریخ آموزش و پرورش بابل و بندپی. تهران: رسانش نوین.

- کسایی، نورالله. (۱۳۸۳). فرهنگ نهادهای آموزشی ایران (از روزگار باستان تا تأسیس دولت صفوی). تهران: دانشگاه تهران.

- \_\_\_\_\_ . (۱۳۶۳). مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن. تهران: امیرکبیر.

- کرزن، جورج. (۱۳۷۳). ایران و قضیه ایران. ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی. تهران: علمی و فرهنگی.

- محبوبی اردکانی، حسین. (۱۳۷۰). تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران. تهران: دانشگاه تهران.

- مرعشی، میرظهیرالدین. (۱۳۴۵). تاریخ طبرستان و رویان و مازندران. با مقدمه دکتر محمد جواد مشکور. به کوشش محمد حسین تسبیحی. تهران: شرق.

- مستوفی، عبدالله. (۱۳۸۴). شرح زندگانی من (تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه). تهران: زوار.

- مشایخی، حبیب الله. (۱۳۸۰). نگاهی همه سویه به تنکابن. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

- مکنزی، چارلز فرانسیس. (۱۳۵۹). سفرنامه شمال، ترجمه منصوره اتحادیه (نظام مافی). تهران: نشر گستره.

- ملکم، سر جان. (۱۳۸۰). تاریخ کامل ایران. ترجمه میرزا اسماعیل حیرت. تصحیح قمی نژاد. به کوشش علی اصغر عبداللهی. تهران: افسون.

- ملگونف، گرگوری ولریانوویچ. (۱۳۷۶). کرانه‌های جنوبی دریای خزر یا استان‌های شمالی ایران. ترجمه امیر هوشنگ امینی. تهران: کتاب سرا.

- میاری، مرتضی. (۱۳۹۰). تاریخچه آموزش و پرورش شهرستان تنکابن. چاپکسر: نوین پویا.

- میرزا ابراهیم. (۱۳۵۵). سفرنامه استرآباد و مازندران و گیلان. به کوشش مسعود گلزاری. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

- ناصرالدین شاه و اعتمادالسلطنه. (۱۳۸۹). روزنامه سفر مازندران. تصحیح و پژوهش یوسف الهی. تهران: رسانش.

- نیکی، جعفر و پوران‌دخت حسین زاده. (۱۳۸۳). بابل (شهر زیبای مازندران). تهران: سالمی.

- یوسفی، زهرا. (۱۳۸۹). «نظامیه آمل و مشاهیر مازندران در نظامیه‌ها». تبرستان نامه. مجموعه مقالات تاریخ و باستان‌شناسی. دفتر نخست. به کوشش سید رحیم موسوی. تهران: رسانش و مهرنوش.

اسناد

ساکما. شماره اسناد ۲۹۷.۱۰۱۱۲

\_\_\_\_\_ ۲۹۷.۲۰۸۵۸

\_\_\_\_\_ ۲۹۷.۱۳۷۲۶

\_\_\_\_\_ ۲۹۷.۵۱۰۸۴

\_\_\_\_\_ ۲۹۷.۱۳۷۲۶

\_\_\_\_\_ ۲۹۷.۱۱۷۲۸



**The Quarterly Journal of  
History and Archaeology of  
Mazandaran**

Vol.1,No.1, Spring 2020

